

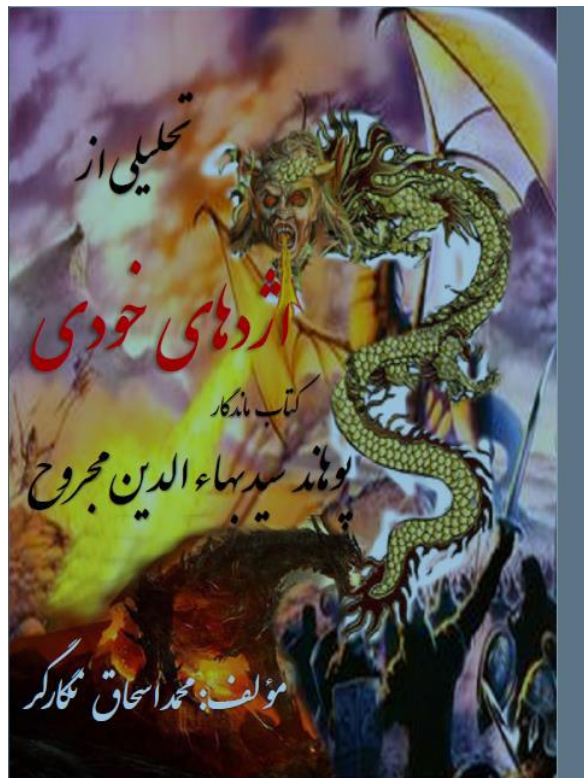


۲۰۱۸/۰۶/۰۹



م. اسحاق نگارگر

# تخلیبي از اژدهای خودی



قسمت سی ام

# تحلیلی از اژدهای خودی کتاب ماندگار پوهاند بهاء الدین مجروح



## اژدهای خودی

قسمت سی ام

بخش اول

### تارهای عنکبوتِ اوهام

۱۲ اگست ۲۰۱۴

در بخش گذشته گفتیم که شبی پاسبانان نیرومند آمدند و دوست صاحب‌دل رهگذر نیمه شب را با خود بُردند. رهگذر نیمه شب شب‌ها و روزها چشم بر راه دوست خود دوخت اما دیگر درکی از وی معلوم نشد و در پایان رهگذر دریافت که یگانه مشعل کم‌نوری که در دل شب‌های تار شهر ظلم آباد می‌درخشید خاموش گردید و در آغوش گرد و خاک میهن خویش آرام گرفت. اما خود رهگذر که در زندان مردی ضعیف‌العقل و مختل‌الحواس پنداشته می‌شد و مقامات او را مجهول‌الهویت می‌خواندند چندان مورد توجه پاسبانان نبود و چند بار حتی فراموش کرده بودند که همان لفظ مجهول‌الهویت را نیز به عنوان نامش بنویسند. خلاصه که کسی به وجود و عدم او کاری نداشت و روزی که زندانیان را برای ساختن حصار برای بیگار یا به اصطلاح شهر ظلم آباد برای کار داوطلبانه می‌بُردند رهگذر نیمه شب با استفاده از بی‌توجهی زندانبانان از سرزمین ظلم آباد فرار کرد و راه دُشوار و پُر از خار "میدان بامدادان خودی" را در پیش گرفت و رهگذر نیمه شب هنگامی که با تجربه غنی‌تر از شهر ظلم آباد بر می‌گردد برای هموطنان مهاجر خود می‌گوید:

"اگر مشتاقید که از مقام آدمیت به دور نروید، راه‌زنان راه زندگی را از رهزنی باز دارید و خانه دل‌ها را از تارهای عنکبوت اوهام پاک سازید".

در این جا سه اصطلاح اُستاد مرحوم است که نیازمند توضیح می‌باشد:

۱ (مقام آدمیت)

۲ (رهزنان راه زندگی

۳ (تارهای عنکبوت او هام

مقام آدمیت چنانکه حضرت مولانا می گوید مقام بیرنگی است که در آن انسان ها به حساب رنگ های پوست، نژاد، عقیده و مذهب از هم جدا نمی شوند. انسان در مقام آدمیت یا در مقام بیرنگی با تنها کسی که در جنگ است هوی و هوس خود اوست. حضرت مولانا میگوید:

### چون که بیرنگی اسپر رنگ شد

### موسیقی با موسیقی در جنگ شد

مقام ایدیال آدمیت مقام صلح کُل با خدا(ج) و مخلوقات اوست و اما رسیدن بدین مقام آسان نیست و انسان با دو ازدهای خطرناک رو برو است. ازدهای اول همان ازدهای رنگ ها یا تعلقات است یعنی هنگامی که انسان اسپر خود باشد هر چیز را بهانه جنگ با دیگران می سازد. حتی دین که هدفش صلح و هماهنگی در میان انسان ها و دفع فساد از زمین است به یکی از سلاح های جنگ بدل می شود و آدمی که اسپر ازدهای خودی است هیچ انسان را همتای دینداری خود نمی داند و به جای اینکه انگشت ملامتی به سوی خود بگیرد همیشه به سوی دیگران اشاره می کند و به قول حضرت حکیم سنایی :

### داده فتوی به خون اهل زمین

### از سر جهل و حرص و از سر کین

بنا بر این عقیده، ثروت، مقام اجتماعی و قدرت هنگامی که به وسیله آزار دیگران بدل شد همان راهزنان راه زندگی استند که انسان را از شاهراه اعتدال به سوی افراط یا تفریط می کشاند و به خود پرستی و دشمنی با دیگران وامیدارد و انسان متعهد به یک عقیده سیاسی یا دینی در حالیکه همیشه انگشت ایرادش به سوی بی عقیدگی و بی دینی دیگران دراز است حتی یک بار هم از خود نمی پرسد که به طور مثال من به همان پیمانۀ اعتقاد نیرومند دینی یا عمل دینی دارم که حضرت رسول کریم داشت. اگر من به اندازه او دیندار نبوده ام چرا انتظار دارم که دیگران به اندازه من دیندار باشند؟

و اما تارهای عنکبوت او هام شیوه های پوشیده و تغییر قیافه داده راهزنان زندگی است. آدمی که ازدهای خودی را جامه عقیده یا مذهب پوشانده است هرگز به کسی نمی گوید که من به حکم دیو درون خود با تو دشمنی می کنم بلکه این دشمنی را از جانب خود جامه صلاح و تقوی می پوشاند و از جانب مخالف جامه فساد و بی خدایی.

همین انتخاباتی را که در کشور گذشت از نظر بگذرانید. در آن هر دو جانب تقلب کرده بودند و یکدیگر را در اندازه تقلب به باد سرزنش می گرفتند و هر دو طرف از تقلب گسترده صحبت می کردند. درست مانند دوکانداران مسلمان انگلیس که حلال و حرام را با فیصدی از یکدیگر تفکیک می کنند و می گویند که گوشت یا پیتره و یا حتی ماست و کریم دندان ما صد در صد حلال است. اینجا نیز صحبت از تقلب گسترده یعنی صد فیصد و تقلب عادی یعنی پنجاه فیصد بود و یکی هم نمی گفت که چون ما مردم را فریب داده ایم و رأی ها را از راه های نامشروع در صندوق های

خود ریخته ایم بنا بر این سزاوار انتخاب شدن و حتی انتخاب کردن نیستیم. چه نسبت های قبیح که به همدیگر دادند و چه بهانه های شرعی که دست و پا کردند:

فلان کس نباید به فلان مقام برسد زیرا که همسر عیسوی دارد و فلان کس جاسوس فلان کشور است ولی وقتی غنیمت قدرت را که با ثقل در رأی مردم کسب کرده بودند با تحکم نماینده نیروی برتر میان خود تقسیم نمودند ناگهان آب ها از آسیاب افتاد و دیگر به اصطلاح نه چرگ بود و نه پرگ. از مقصود دور نیفتم که وقتی ما به حکم دیو درون خود دیگران را مورد ظلم و ستم قرار میدهیم این ظلم و ستم را جامه مخالفت ایدیولوژیک می پوشانیم و به سادگی می گوییم: "من این اشخاص را مجازات کردم به دلیل اینکه مخالف نژاد، طبقه، فکر و دین من استند. من گاهی سخت دچار تعجب می شوم که بسیار وقت ها دموکرات ترین افراد متوسل به سانسور می شوند و به طور مثال میگویند: نوشته این یا آن را نشر مکنید که از نظر من خائن استند و به فلان یا بهمان حزب که از دیدگاه من و همقطاران من نامطلوب است. حال آنکه محروم کردن اشخاص از حق صحبت و اظهار نظر کار یک محکمه صاحب صلاحیت است. البته اشخاص میتوانند برای ایجاد چنین محکمه با صلاحیت مبارزه و تلاش کنند ولی نمی توانند مخالفان را با صلاحیت خود از حق بیان و اظهار نظر محروم نمایند. به هر صورت آن رهزنان راه زندگی که وجود خود را در جامه های تعدیل شده می پوشانند در حقیقت تار های عنکبوت او هام را هر سو که می خواهند می تنند.

اژدهای دوم استعداد یا کیش اژدها پرستی است که نیروی "نه" گفتن را از انسان سلب می کند و او را به بردگی فکری می کشاند.

استاد بعد از پرداختن به مقام آدمیت از قربانی بزرگ صحبت می کند که من در فرصتی دیگر آنرا با نثر دلنشین خود استاد تقدیم می کنم. تا آن فرصت خدای بزرگ یار همه دوستان باد! ۱۲ آگست ۲۰۱۴ برمنگهم نگارگر



بخش دوم

## تحول و انقلاب

۲۰ آگست ۲۰۱۴

هر جامعه نیازمند نوعی تحول و دگرگونی است، انسان رشد می کند و در جامعه تنگ دوران کودکی خود نمی گنجد. جامعه نیز چنین است. نفوس بیشتر می شود و افزایش نفوس ضرورت های تازه اقتصادی و سیاسی ایجاد می نماید. جامعه ای که اصل تغییر و دگرگونی را نمی پذیرد در واقع می خواهد کودک دیروز را که اکنون به جوانی نیرومند بدل شده در همان جامه های روزگار کودکی اش نگاه دارد و چون این کار عملاً ممکن نیست بنا بر این مردم میان خود در اختلاف می افتند و با این اختلاف برخورد خردمندانه و معقول نمی کنند و هر دو راه افراط می پویند. گروهی در مدح گذشته ای که مطلوب خود شان بوده است قصیده سرایی می کنند و پرستش گذشته را به امری مطلق بدل می

نمایند و در راه نگاهداری گذشته چنان تعصب و سختگیری نشان می دهند که اگر کسی از ضرورت تغییر و دگرگونی صحبت کرد کافرش می خوانند و به خیانت و مزدوری این و آن متهمش می کنند. وقتی در جامعه راه تحول ضروری و مسالمت آمیز گرفته شد، تحول طلبان و آینده خواهان به یک آینده مبهم و خیالی که با دنیای واقعیات بسیار فاصله دارد توسل می جویند و به فرمانی تصویری که از آینده ایدئال در ذهن ساخته اند به پیکار دیگران می روند و انقلابی می شوند و به نیروی عواطف تند و خرابکار می خواهند گذشته را به طور مطلق و بدون برو و برگشت ویران نمایند. این انقلابی ها در دنیای اوهم زندگی می کنند و در کار خویش هیچ گونه مدیریت و سنجیدگی ندارند و در واقع هیچ انقلابی به مردم نمی گوید که چند نفر را می کشد و در بدل آن کُشتار به دیگرانی که مانده اند چه چیز میدهد. انقلاب ها به مردم وعده های فریبنده می دهند و تصویری از بهشت عرضه می کنند در حالی که از کیسه خالی جامعه خود هیچ خبر ندارند. خمر های سُرخ کمبودیا برابر نیم نفوس کشور خود را کُشتند و برای بازماندگان نیز غیر از درد و مصیبت چیزی ندادند. هر انقلاب اجتماعی با نوعی نفرت و تعصب همراه است و چون زور دارد مخالف خود را سرکوب می کند. ما نیز در جامعه خود هر دو انقلاب را از سرگذشتانیدیم و اینک زبان حال هر کدام ما همین است که:

### از طلا بودن پشیمان گشته ایم      مرحمت فرموده مارا مس کنید

گفتیم انقلاب از نوعی مدیریت و سنجیدگی عاری است و هر انقلابی گرفتار نوعی تب انقلابی می شود که در هجوم آن تب هذیان می گوید و منجر به نوعی اژدها پرستی و اژدها پروری می شود و دیگران را از خود طرد می کند و من وعده داده ام که این قسمت اژدهای خودی را با نثر دلنشین خود استاد مجروح برای تان تقدیم می کنم. اُستاد هنگامیکه از شهر ظلم آباد فرار می کند و نزد همدیاران مهاجر خود برمیگردد به ایشان می گوید:

### "سرزمین آزادگان تشنه است!"

و بدانید که دیار رنجبار شما را تاخت و تاز فوج دهشت افگان به بیابان خشک و بیجان مبدل ساخته است، چشمه سارهای غلتان در دل سنگ کوهساران پنهان گردیده اند و از ترس جان سر از پناهگاه های خویش بیرون نمی آورند. رود خانه ها در بسترهای خود خشکیده اند - نه جویباری کشتزاری سوخته و بیمار را سیراب میگرداند و نه از سوی قطرات بارانی فرو می ریزد که توفان گرد و خاک را فرو نشانند. سرزمین آزادگان تشنه است و اما تشنگی آن افزونتر از آنست که رود خانه خروشان آنرا سیراب گرداند و یا سیل بارانی آنرا فرو نشانند.

سرزمین آزادگان تشنه خون است! و بدانید که آن أم البلاد کهن بنیاد، قربانی بزرگ از شما می طلبد و اما آن خونی را که می خواهد ریخته شود، مایع گلگون رگ و شریان شما نیست و آن هدیه گرنامه ای که آرزو دارد به وی تقدیم کنید قربانی بی چون و چرای گوسپندان تن های شما نیست.

### سرزمین آزادگان تشنه خون اژدهاست.

بروید! و آن آفت جان را از دل شهرستان خویش بیرون رانید و به سوی بیابان بکشانید و در آن پهنا، شب هنگام برزمین بخوابانید و زانوانش را چون شُتر ببندید. سپس آتش بزرگی بیفروزید و همه شب دور آن برقصید، بسرایید و

بخندید. وقتی شب به سرآمد سکوت اختیار نمایید. بعد همه به سوی افق آفتاب برآمد بایستید و در خویشتن بیندیشید تا آنکه صبح صادق بدمد و دل های شما را روشن گرداند. سپس رو از جانب شرق برگردانید و در اژدها بنگرید. در آن روشنی صبح صادق دل اژدها را چون آینه خواهید یافت و هر یکی از شما چهره راستین خویشتن را در آن منعکس خواهید دید. آنگاه بدانید که فرصت قربانی بزرگ فرا رسیده است بیدرنگ برخیزید و در آن هنگام بامدادان خودی خون اژدها را پیاله، پیاله بر روی خاک بریزید و قطره، قطره بر کوه و بیابان بپاشید.

بدین گونه، تشنگی آن زمین رنج دیده درد آزموده فرو خواهد نشست و دیری نخواهد گذشت که نوروز دل افروزی میهن توفان زده شما را زندگی دوباره خواهد بخشید و بهار مست و سرشاری از دیار خزان کشیده شما لاله زاری خواهد ساخت. چشمه سارها در دل کوهسارها

باز بیدار خواهند شد. آبشارها غلغله کنان فرو خواهند ریخت و جویبارها جستان و خیزان در آغوش رودخانه ها خواهند غلتید. گل های بنفش سر از خاک نمناک بیرون خواهند آورد. غزالان آزاد خیال باز به دشت و دمن خواهند آمد و بر فرش زمردگون چمن خواهند خرامید. مرغان مهاجر بر خواهند گشت. آشیانه های ویران شده خود را دوباره خواهند ساخت، نغمه سرایی خواهند کرد و به منظور پذیرایی از الهه بهار جشن های شادی در مرغزارها بر پا خواهند نمود."

در اینجا نثر دل انگیز استاد به پایان می رسد و من هم که با همسر ارجمندم لنگ لنگان اراده سفر دارم به امید دعای دوستان این یادداشت را پایان می دهم و چون یادداشت های آینده من تابع وضع و چگونگی من در جریان سفر خواهد بود اگر چیزی از من نخواندند و یا کم خواندند معذرت من خواسته است که وقت مسافر بیش از آنکه به خودش تعلق داشته باشد به دیگران تعلق دارد. دوستان ارجمند خدا حافظ تان تا یادداشت بعدی که مدتی را در بر خواهد گرفت. در فرصتی که به دست می آید باز با شما خواهم بود. یار زنده صحبت باقی. ۲۰/اگست ۲۰۱۴ نگارگر

پایان قسمت سی ام

ادامه دارد



**قسمت های اول تا بیستم این مطلب را با باز نمودن لینک های پایان می توانید مطالعه فرمائید:**

قسمت اول:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_1.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_1.pdf)

قسمت دوم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_2.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_2.pdf)

قسمت سوم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_b\\_madjrouh\\_3.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_3.pdf)

قسمت چهارم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_b\\_madjrouh\\_4.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_4.pdf)

قسمت پنجم:

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_ajdahay\\_khodi\\_5.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_ajdahay_khodi_5.pdf)

قسمت ششم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_b\\_madjrouh\\_6.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_b_madjrouh_6.pdf)

قسمت هفتم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_7.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_7.pdf)

قسمت هشتم

[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_8.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/I_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_8.pdf)

قسمت نهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۹.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۹.pdf)  
قسمت دهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۰.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۰.pdf)  
قسمت یازدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۱.pdf)  
قسمت دوازدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۲.pdf)  
قسمت سیزدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۳.pdf)  
قسمت چهاردهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۴.pdf)  
قسمت پانزدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۵.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۵.pdf)  
قسمت شانزدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۶.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۶.pdf)  
قسمت هفدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۷.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۷.pdf)  
قسمت هژدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۸.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۸.pdf)  
قسمت نوزدهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۱۹.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۱۹.pdf)  
قسمت بیستم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۰.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۰.pdf)  
قسمت بیست یک  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۱.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۱.pdf)  
قسمت بیست دو  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۲.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۲.pdf)  
قسمت بیست و سوم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۳.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۳.pdf)  
بیست و چهارم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۴.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۴.pdf)  
بیست و پنجم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۵.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۵.pdf)  
بیست و شش  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۶.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۶.pdf)  
بیست و هفت  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۷.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۷.pdf)  
بیست و هشت  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۸.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۸.pdf)  
بیست و نهم  
[http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l\\_negargar\\_tahliley\\_bar\\_ajdahaaye\\_khodi\\_۲۹.pdf](http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/l_negargar_tahliley_bar_ajdahaaye_khodi_۲۹.pdf)

